

حمید انوری

پنجشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۹

آنان که مشهور اند به قانون شکنی...

در کشور برباد داده شده ما هر کس و ناکسی در حالی دم از قانون می زند که در طول زندگی ننگین خود، هرگز و هرگز، حتی برای یک لحظه هم، نه تنها قانون را مراعات نکرده، بلکه همواره دشمن قانون بوده و سایه قانون را هم از فرسخ ها دور با تیر کین زده و می زند هنوز. یکی از آن همه قانون شکنان بی شاخ و دم که هر ازگاهی قانون گفته گلو پاره می کند، فرد شناخته شده و معلوم الحالی بنام "محمد حنیف اتمر" است که گذشته بس ننگینی دارد و تمام مردم افغانستان او را به عنوان یک "خادیس" و شکنجه گر و جاسوس خاد به خوبی می شناسند. این فرد متلون المزاج که هر لحظه به رنگی در می آید، به اشاره اربابان خارجی خود، شوق ریاست جمهوری کرده است و جهت رسیدن به این خواب و رویا، از هیچ ترفند و توطئه و زد و بند پیدا و پنهان دریغ نمی ورزد.

آنگاه که کشور آبائی ما مورد تهاجم وحشتناک تجاوزگران روسی قرار گرفت، این آقا زاده در خدمت تجاوزگران روسی و نوکران زرخرید داخلی آنان (خلق- پرچم) درآمد و از راه جاسوسی و خبرچینی و شکنجه و کشتار در سازمان امنیتی رژیم کودتا(اگسا، کام، خاد، واد) به زودی به نان و نوائی رسید.

یکی از صد ها جرم و جنایت این شکنجه گر خاد را که هر گاه و ناگاهی دم از قانون می زند، به عنوان مشت نمونه خروار اینجا ذکر میکنم:

[... یکی از مبارزان که خوشبختانه در قید حیات می باشد و حاضر است علیه این آدمکش خادی که مستنطق اش بوده، در محکمه ای ذیصلاح شهادت دهد، چشمدیدش را چنین اظهار می دارد:
"حنیف اتمر بین زندانیان به نام متخصص فحش و ناسزا های رکیک شهرت داشت و با مواجه شدن با هر زندانی لحظه ای زبانش را از دشنام دادن به زن و خواهر و مادر و... بند نمی آورد.
روزی یک زندانی را که به اتهام شعله ای بودن دستگیر شده بود با دستان از پشت بسته اش نزد او میاورند. وقتی اتمر زندانی را میبیند طبق عادت شروع به فحاشی میکند. نام زندانی ایمل

زرمتوال بود، مردی قوی هیکل و قدبلند. ایمل با شنیدن دشنام های اتمر با اشاره ای متبسمانه او را نزدش خواسته و میگوید چیز هایی را برایش افشاء خواهد ساخت. اتمر نظری فاتحانه به سایر خادیهای حاضر انداخته و گفت: "کسی که پیش من بیاید حتما رازش را برایم میگوید." و سپس نزدیک ایمل میرود. ایمل از او میخواهد نزدیکتر بیاید تا موضوع را در گوشش بگوید. اتمر گوشش را پیش میکند که ناگهان ایمل با تمام نیرو با زانوییش ضربه ای سختی به خصیه های اتمر می زند. اتمر به زمین میافتد و از درد بخود می پیچد که ایمل باز هم خیز زده و با هردو زانو خود را روی شکم شکنجه گر می اندازد. سایر خادی ها که بکلی غافلگیر شده بودند، ایمل را دور میکنند.



اما اتمر از زمین بلند میشود و بدون آنکه کلمه ای به زبان آرد، با تفنگچه کمربندی اش سه مرمی بر ایمل فیر کرده او را جا به جا به شهادت می رساند. ["

این شکنجه گر بی رحم و بد زبان و وحشی، امروز چپ و راست و وقت و ناوقت داد از قانون می زند و توقع دارد مردم باور کنند.

در بعد از سقوط رژیم نجیب، این جاسوس پلید به پاکستان فرار کرد، لباس و چهره بدل کرد، یک بلست ریش گذاشت و بصورت مخفی، زندگی ذلت باری را در پاکستان آغاز کرد تا آنکه سازمان جاسوسی پاکستان (آی اس آی) وی را شناسائی کرده و به زودی در خدمت خود درآورد. او تمام اسناد داخلی افغانستان را که از خاد با خود و در حافظه خود داشت، در اختیار (آی اس آی) گذاشت و در بدل آن برایش یک خانه، موتر و معاش ماهوار تعیین کردند و امنیت او را تضمین.

چند سالی با سازمان جاسوسی پاکستان کار کرد و بعد توسط سردمداران (آی اس آی) به مقامات سازمان جاسوسی انگلیس فروخته شد و روانه انگلستان گردید تا آنکه رژیم طالبان سقوط کرد و توسط مربیان (MI6) انگلیس که دشمنی دیرینه با مردم افغانستان دارند، به افغانستان فرستاده شد و مقامات بلند دولتی در رژیم کرزی و بعد هم غنی به او تفویض گردید و باقی ماجرا که بر همگان چون روز روشن است.

این شخص ماجراجو تا زمانیکه مشاور امنیتی رئیس جمهور بود، دنیا گل و گلزار بود و قانون بصورت عام و تام گویا تطبیق می شد و همه کار های حکومت دوسره و رئیس جمهور، قانونی،

اما درست بعد از آنکه رئیس جمهور او را مجبور به استعفا نمود؛ یکصد و هشتاد درجه چرخید و داد و فریاد راه انداخت که همه کار های رئیس جمهور غیر قانونی است. آیا این جاسوس چند جانبه گفته می تواند در حالتی که هیچ وظیفه رسمی ندارد، چرا و به کدام دلیل و نظر به کدام قانون، بیش از دوازده نفر بادیگار تا دندان مسلح او را در هر قدم و هر کجا هم رانی می کنند؟! آیا این عمل او قانونی است؟!

به این عکس دقیق شوید:



او در حالی که هیچ وظیفه رسمی ندارد، بیش تر از دوازده نفر بادیگار مسلح را با خود می گرداند، اگر خدای ناخواسته رئیس جمهور افغانستان ساخته شود، در

هر قدم دو صد بادیگار با خود ته و بالا خواهد برد و آنهم از پول بیت المال. او را روس ها آنقدر بالا نبردند که انگلیس ها بردند.

"رفیق اتمر" آیا جنایات تو و امثال تو در اداره جهنمی خاد، قانونی بود؟

آیا اشغال مقامات بلند دولتی و اخذ معاشات متعدد از منابع مختلف خارجی در زمان رفیق شفیقت، "حامد کرزی"، قانونی بود؟!

آیا حکومت دو سره که تو سر سوم آن بودی، قانونی بود؟!

آیا اجراءات رئیس جمهور و تیم او تا که تو مشاور امنیتی ریاست جمهوری بودی، قانونی بود؟!

آیا درست بعد از آنکه خلع قدرت شدی، اجراءات غیر قانونی در ارگ آغاز شد؟!

آیا زد و بند تو با داره ماران "جهادی" قانونی است؟!

آیا سفر های پی در پی تو و رفقا و برادران هم طبق تو به کشور های خارجی زیر نام "صلح"، قانونی است؟!

آیا زد و بند تو با گلبدین و عقد و پیمان نابرابر تو با آن جنایتکار مشهور و قصاب کابل، قانونی بود؟!

آیا امضاء پیمان امنیتی با مقامات امریکائی، قانونی بود؟!

اگر این آیا ها را ادامه دهیم، خواهیم دید که چه سر درازی دارد و در وجود بی وجود تو نه تنها از قانون و احترام به قانونی خبری نیست، بلکه یک ذره شرم و حیا هم در تن لایلام شده تو؛ خدای داناست که نیست!

از یک جانب جهت رسیدن به قدرت با دشمنان شناخته شده افغانستان و تجزیه طلبان بی مقدار سر از یک گریبان بیرون کرده و در ماسکو و لاهور داد از "صلح" می زنی، از جانب دیگر با یک مشت اوباش مانند خودت، از هیچ توطئه و ترفندی خودداری نمی کنی تا اغتشاش و شورش را براه انداخته و از آب گل آلود، ماهی مورد نظر را صید نمائی. داد و فریاد براه انداختن و گلو پاره کردن در غازی سندیوم و در کنار محقق به حقیقت نرسیده، قانونی بی قانون، عطای "تاریک" و چند بی کار و بی روزگار دیگر، یک مشت از اذل و اوباش دیگر را هم دستور می دهید تا با بیرق های "شورای نظار" و سلاح و مهمات وارد کابل شوند و زمینه زد و خورد با قوای امنیتی را مهیا ساخته و در نتیجه کابل را به آشوب بکشانند، سرک ها را مسدود نمایند، موتر ها را به آتش بکشند و...

شرم تان باد که تا در قدرت حضور دارید، گویا دنیا گل و گلزار است و تا از صحنه قدرت بیرون ساخته شوید، افغانستان در ورطه فروپاشی قرار دارد و قانون جنگل است و رژیم باید سقوط داده شود.

دارائی نقدی حنیف اتمر که در سال 1395 ثبت شده است بالغ بر 1.942.834 دالر، یعنی حدود دو میلیون دالر بوده است و طبق قانون باید در ختم وظیفه بار دیگر دارائی های منقول و غیر منقول خود را بصورت قانونی در مراجع مربوطه ثبت می کرد، که نکرده است. آیا این عملکرد او، خود تخطی روشنی از قانون نیست؟!

آیا او منبع یا منابع عایداتی همین دو میلیون دالر نقد در سال ۱۳۹۵ را برای این ملت که بیشتر از ۵۰ فیصد آنها از فقر رنج می برند، داده می تواند؟

"... به اساس گزارش احصائیه مرکزی افغانستان میزان فقر از سال ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۶ هجری خورشیدی از ۷ درصد به ۱۵ درصد افزایش یافته است که اکنون حدود ۱۸ میلیون افغان از فقر رنج می برند..."

اینکه از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، چه مقدار دیگر بر عایدات نقدی و منقول و غیر منقول "حنیف اتمر" افزوده گشته است، به خدای حق معلوم.

بگفته مشهور "قانون خوب است، اما برای دیگران."

شماره	اسم دارنده پول (1)	مبلغ یا واحد آن (2)	اسم و محل بانک (3)	نمبر حساب بانکی در داخل کشور (4)	نمبر حساب بانکی در خارج کشور (5)	مدرک حصول پول (6)
1	محمد حنیف اتمر	دالر 57,686	عزیزی بانک	00010/12/039562/27		پسین اندوز از عواید قبلی
2	" "	دالر 102,757	AIB	05007020067729AA		" " "
3	" "	دالر 97,401	بانک رفووح	01905836		" " "
4	" "	دالر 48,450				" " "
5	" "	دالر 1,942,834				" " "
6						
7						

محرم بنابر دلائل امنیتی - صرفاً برای ملاحظه جلاتماب رییس جمهور کشور ارایه گردیده است.

جهت معلومات بیشتر به روزنامه "هشت صبح" مراجعه کنید. در مورد "حنیف اتمر" و کار روائی های آنچنانی چهار دهه پسین او می شود بسیار نوشت و بار بار نوشت، اما آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است. نشست و برخاست "حنیف اتمر" همیشه با این جنابان بوده است که نشست و برخاست آنان با یک مشت لومپن و اوباش و جنایتکار بوده است، چه بجا گفته اند: "کیوتر با کیوتر، زاغ با زاغ، ...". به این عکس ها بیشتر دقت کنید:



و اینهم تازه ترین عکس "حنیف اتمر" در جمع رفقای آنچنانی خود که همه در یک زمان از جانب اربابان پاکستانی شان به لاهور اظهار گردیده و به حضور وزیر خارجه پاکستان شرفیاب گردیده اند:



ما را از خوش نامی تیر، یک فرد که در این جمع بد نام نباشد، کدام است؟!

"حنیف اتمر" که مشاور امنیت ملی رئیس جمهور بود و مهم ترین اسناد امنیتی کشور را در اختیار داشت، طبق عادت دیرینه، با احتمال قوی معلومات مهم امنیتی افغانستان را دو دسته تقدیم مقامات پاکستانی و سازمان جاسوسی و استخباراتی آن کشور (آی اس آی) نموده باشد.

از جانب دیگر "حنیف اتمر" که یک سرسپرده سازمان جهنمی استخباراتی (خاد) و از آغاز کودتای ننگین ثور تا سقوط ذلت بار حکومت نجیب، مامور استخباراتی، جاسوسی رژیم و شکنجه گر ماهری بود، چرا در آن زمان داد از قانون نمی زد، در حالیکه خوب میدانست آنچه در (کام، اگسا، خاد و واد) میگذشت، خلاف تمام قوانین انسانی و بین المللی بود، چرا شهادت نداشت که داد از قانون می زد؟!

او همه روزه در سازمان جاسوسی رژیم کودتا شاهد شکنجه های وحشیانه هموطنان سرافراز ما توسط ماموران وحشی (کی جی بی) روسی بوده است، آیا آن زمان، قانون برای "حنیف اتمر" مطرح نبود؟

آنان که مشهور اند به قانون شکنی

امروز نماینده قانون شده اند

به این آهنگ زنده یاد استاد نینواز - قانون شکنی گوش فرا دهید!

روانشاد "نینواز" نیز قربانی جنایتکاران بی همه چیز خاد گردید و به جاودانگی پیوست، یادش همیشه گرامی باد!

در آن زمان "حنیف اتمر" کارمند با صلاحیت خاد بود.